

فصل کوچ

زیر نظر بابک نیک‌طلب

سرود ماه مهر

این ماه، ماه مهر است
ماهی که آسمانی است
ماهی که نام خوبش
سر فصل مهریانی است

ما غنچه‌های مهریم
گل‌های باغ فردا
پاییز بر گریزان
فصل شکفتن ما

پاییز در دل ما
فصلی شکوفه بار است
دل‌ها که سبز باشد
پاییز هم بهار است

پاییز فصل کوچ است
آغاز هجرت ما
فصلی که پر کشاییم
سوی بهار فردا

باید دوباره روئید
این فصل، فصل کشت است
فصل درو، بهاران
محصول ما بهشت است

فصل درو که آمد
باید رسیده باشیم
محصول کشت خود را
از باغ چیده باشیم
قیصر امین پور

زندگی

روی پله‌های سنگی سحر
باز هم صدای پای شب
شنیده می‌شود
دامنش بلند و پر ستاره است
روی پله‌ها کشیده می‌شود
شب، عبور می‌کند
دور می‌شود
صبح با کتانی سفید می‌رسد
زندگی مرور می‌شود

مریم اسلامی

چلچله لحظه‌ها

مادرم می‌گوید:
«لحظه‌ها چلچله‌اند
مثل یک چلچله در کوچ و سفر
و به اندازه یک پلک زدن
از کنار همه در حال گذر»

پدرم می‌گوید:
«کوچ یک چلچله پایان دارد
آسمان باز هم از بوی پَر چلچله
پُر خواهد گشت

سفر لحظه ولی هیچ ندارد بر گشت.»

کیف من نزدیک است
و کتاب و قلمم منتظرند
همه انگار به من می‌گویند:

«لحظه‌ها در گذرند
لحظه‌ها در سفرند.»

افسانه شعبان‌نژاد

امتداد کوچه خیال

چقدر واژه را کنار هم نشانده‌ام
و از تن تمام برگ‌های دفترم

یکی

یکی

یکی

غبار خواب را تکانده‌ام؛

و امتداد کوچه خیال را

به لحظه ورود تو رسانده‌ام.

بیا نگاه خویش را

برای من ورق بزن

تو مثل یک کتاب شعر

پر از ترنمی چقدر

بمان کتاب آشنا!

تو را هنوز من

نخوانده‌ام

اکرم کشایی

شروع

شروع کن

دوباره از کنار پنجره

دوباره از همین اتاق

که چار گوشه‌اش

پُر است از هزار خاطره

دوباره پایه پای رود

تمام دشت‌های سبز را بگرد

دوباره هم صدای زنجره

سرود ساده‌ای بخوان

در آسمان آرزو

برای هر که خواستی بتاب

به چشم هر که خواستی بخند

دوباره از همین اتاق

طلوع کن.

بابک نیک‌طلب

۴
بچه‌خوان
۱۳۹۱

تصویر گر: مریم طباطبایی